

اطلاعیه مطبوعاتی حزب توده ایران

○ بر اساس گزارش هایی که از زندان اوین رسیده است رژیم در فروردین ماه سال جاری اقدام به اعدام گروهی از زندانیان سیاسی کرده است. در میان اعدام شدگان از جمله نام محمد رکنی از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سرتیپ سپاه پاسداران شعرباقان به چشم می خورد.

جمله جواد حسینی در شهر سلیمانیه عراق، فراخواندن برخی از زندانیان سیاسی آزاد شده به بازجویی دوباره و تشدید فشار بر زندانیان سیاسی، گوشه هایی از تلاش های جدید رژیم برای کنترل اوضاع بشدت ناآرام اجتماعی در میهن ماست.

بر اساس گزارش هایی که از زندان اوین رسیده است رژیم در فروردین ماه سال جاری اقدام به ادامه در ص ۲

بر اساس گزارش هایی که از ایران به ما رسیده است، رژیم استبدادی نگران از اوجگیری نا آرامی های اجتماعی، جو ترور و خفقان را بیش از پیش تشدید کرده است. برخوردهای پراکنده در شهرهای مختلف، سرکوب اعتراض های دانشجویی و اعتصاب های پراکنده کارگری، تشدید پورش های نظامی رژیم علیه نیروهای مترقی خلق کرد و ترور برخی از فعالان حزب دمکرات کردستان ایران، از



شماره ۴۲۶، دوره هشتم
سال دهم، ۶ اردیبهشت ۱۳۷۳

سیاست گدایی بین المللی برای تخفیف بحران اقتصادی

... می بایست هرچه سریعتر صف واحد نیروهای ضد «ولایت فقیه» را سازماندهی کرد، تا بتوان در طوفان حوادث از بروز فاجعه جلوگیری کرد... حزب ما سرنوشت آینده میهن را در گرو درک درست و تامین سریع این ضرورت می بیند.

در سال جاری است. بر خلاف پیش بینی های انجام گرفته در هنگام ارائه بودجه سال گذشته دولت جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته است به درآمد ارزی ۲۰ میلیارد دلاری پیش بینی شده دست یابد، بلکه بر اساس اعتراف صریح خود سرمداران رژیم، از جمله دکتر عادل، رئیس بانک مرکزی، این درآمد به زحمت به ۱۱ میلیارد دلار خواهد رسید. به عقیده اکثر کارشناسان اقتصادی، ابعاد بحران اقتصادی رژیم ژرف تر از آن است که با دریافت ۵ یا ۶ میلیارد دلار وام اعتباری بتوان آن را کاهش داد. تمامی شواهد اقتصادی در دو سه هفته اخیر نیز در تأیید چنین نظری است. به عنوان نمونه علی رغم هیاهوی بسیار تبلیغاتی رژیم پیرامون دریافت وام از کشورهای غربی و ژاپن، و علی رغم سقوط موقت نرخ ارزهای خارجی در مقابل ریال (هر دلار از ۲۸۰ تومان به ۲۲۰ تومان) در چند روز گذشته با روشن تر شدن این مسئله که کوچکترین نشانی از تخفیف بحران اقتصادی در کار نیست، دوباره نرخ دلار بالا رفته و به ۲۵۰ تومان رسیده است. روزنامه «جمهوری اسلامی» که خبر نزول دوباره ریال را ادامه در ص ۲

بحران اقتصادی که در ماههای گذشته ابعاد بسیار گسترده و همه جانبه ای به خود گرفته بود، سران جمهوری اسلامی را سخت به تلاش و تکاپو برای حفظ ساختار پوسیده و فاسد رژیم «ولایت فقیه» وادار کرد و نمایندگان رژیم با گردن های خم و بلعیدن شعارهای تند و داغ "ضد امپریالیستی" برای گدایی رسمی و بین المللی به کشورهای مختلف اروپایی اعزام شدند. بر اساس گزارش روزنامه «اطلاعات» (۲۲ فروردین)، تاکنون موافقت نامه مالی با آلمان، ژاپن، سوئیس، اتریش، لهستان و ایتالیا به امضا رسیده است. بر اساس این موافقت نامه ها کشورهای فوق الذکر موافقت کرده اند تا با دادن وام های اعتباری نسبتاً دراز مدت (۴ تا ۶ ساله) به رژیم جمهوری اسلامی در باز پرداخت بدهی های مالی آن یاری کنند. بر اساس گزارش هایی که در رسانه های گروهی جهان انعکاس یافته است، بدهی رژیم جمهوری اسلامی با توجه به افزوده شدن سود به آنها، هم اکنون به حدود ۴۰ میلیارد دلار رسیده است، که ۱۰-۹ میلیارد دلار آن می بایست طی ماه های آینده باز پرداخت شود. نکته دیگری که باید به آن توجه شود کمبود شدید در آمد ارزی ایران

«لنین زیست،

لنین میزید،

لنین خواهد زیست».

ص ۳

پاسخ های الکساندر روتسکوی

به پرسش های خبرنگار «پراودا»

تفاهم با یلتسین و

رژیم او ممکن نیست

ص ۸

تربیت «معلم قرآن»

به جای گادو متخصص

به منظور «مقابله با

تهاجم فرهنگی»!

ص ۶

تلاش رژیم

برای تشدید فشار

بر مطبوعات مستقل

ص ۴

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

اطلاعیه مطبوعاتی ...

اعدام گروهی از زندانیان سیاسی کرده است. در میان اعدام شدگان از جمله نام محمد رکنی از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سرتیپ سپاه پاسداران شهربانان به چشم می خورد. نام چندتن دیگر از زندانیان سیاسی که حکم اعدام برای آنها صادر گردیده است و در خطر اعدام شدن قرار دارند از جمله عبارت است از: احد باختری، محسن گاردش فر و همایون میر سعیدی، که همگی از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می باشند.

ما از همه نیروهای آزادیخواه در سراسر جهان می طلبیم تا فوراً برای نجات جان زندانیان سیاسی که در خطر اعدام قرار دارند، اقدام نمایند. باید با سازماندهی اعتراض وسیع بین المللی درخیمان رژیم را به عقب نشینی وادار کرد.

ما از سازمان عفو بین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد می خواهیم تا با تشدید فشار بر رژیم جمهوری اسلامی برای نجات جان میهن دوستان و آزادیخواهان کشورمان اقدام کنند.

روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۹ فروردین ۱۳۷۳ (۱۸ آوریل ۱۹۹۴)

رونوشت: سازمان عفو بین الملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، انجمن حقوقدانان دموکرات، رسانه های گروهی

«رفیع ترین نقاط ایستادن»

درستی را صدا خواهم زد

درستی را صدا خواهم زد تا دستان زمین را بگیرد

- و هدایتش کند

من که از رنج خویش و دیگران

قلبم را چونان زمینهای کویر - چاک چاک می بینم

من که صدای دل انگیز آگاهی - در گوش جانم می پیچد،

تا رفیع ترین نقاط ایستادم را نشان دهد

دیرتر - نه ... دورتر - نه ... درنگ - هرگز

درنگ - مرگ را می ماند - چون مار تبهکاری در آستین بشر

... هستی را می ماند در آغاز فرجامی تاریکتر از شبهای تباهی

نه ... نه ... دیرتر نه ...

راستی را صدا خواهم زد

تا چراغ راه را به دستان زمین دهد

خاک - تشنه ایست - در انتظار رگبار سیل آسای عشق

...

پرچمهای نیلوفر - امشب تا صبح - در اهتزاز خواهند بود

امشب هیچ نیلوفری دروازه قلب خویش را نخواهد بست.

شیرازه

"بخور و نمیری" را برای خود تامین کنند، جامعه را بیش از پیش به سرحد انفجار نزدیک خواهد کرد. سران رژیم نیز به خوبی از عواقب سوء چنین اقدامی مطلع اند و درست به همین دلیل است که تاکنون علی رغم تشدید بحران اقتصادی از اجرای آن ظفره رفته اند. ولی اکنون بنظر می رسد که رژیم درمانده از همه جا چاره ای ندارد. تشدید فشار اجتماعی، تهدید های نوین وزیر کشور، فشارتی، خبرهای رسیده از دستگیری های دوباره اعدامها و بسیج مزدوران سپاه برای مقابله با "خطراتی" که "نظام را تهدید" می کند، همه نشانه آماده شدن رژیم برای مهار انفجار اجتماعی است که در پیش است. ما در هفته های اخیر بارها ضمن اشاره به این واقعیت تاکید کرده ایم که می بایست هر چه سریعتر صف واحد نیروهای ضد رژیم "ولایت فقیه" را سازماندهی کرد، تا بتوان در طوفان حوادث از بروز فاجعه جلوگیری کرد. ما بار دیگر تمامی نیروهای آزادیخواه و مترقی کشورمان را فرا می خوانیم تا در این شرایط حساس و تاریخی، با درایت و دوراندیشی سیاسی بر پیش داوری ها و اختلاف های موجود غلبه کنند و راه را برای ایجاد یک جبهه واحد در مقابل استبداد بکشایند. حزب ما سرنوشت آینده میهن را در گرو درک درست و تامین سریع این ضرورت تاریخی می بیند.

شدن ده ها واحد تولیدی کوچک که در شرایط برابری فعلی نرخ ریال نمی توانند بسیاری از نیازهای مواد خام اولیه خود را از خارج از کشور تامین کنند، در کنار رشد نجومی قیمت کالاهای ضروری مانند گوشت، نان، میوه و مرکبات (بر اساس گزارش روزنامه "سلام"، دوشنبه ۲۲ فروردین ماه، نرخ هر کیلو گوشت تازه گاو و گوسفند در چند هفته گذشته هر کیلو ۱۰۰ تومان افزایش یافته است) و عدم توانایی دولت و بسیاری از موسسه های تولیدی و شرکت های خصوصی به پرداخت حقوق کارگران و کارمندان خود، ابعاد گسترده و متفاوت بحران اقتصادی رژیم را بیان می کند. در چنین چارچوبی است که به گمان ما سیاست اخیر گدایی دولت جمهوری اسلامی از کشورهای خارجی نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه در دراز مدت بر ابعاد بحران خواهد افزود. اکثر سران رژیم نیز با درک همین دشواری است که اکنون از امکان استفاده از آخرین کارت موجود خود، یعنی قطع کامل تمامی سوبسید ها که مبلغی معادل ۱۵٪ بودجه کل کشور است، سخن می گویند. بدیهی است که چنین اقدامی بیش از هر چیز نشانگر وضعیت فوق العاده در کشور است و بی شک اثرات فوری اجتماعی بدنبال خواهد داشت. تشدید فشار بر میلیون ها خانواده ایرانی که در شرایط کنونی به زحمت می توانند حتی یک زندگی حداقل و

سیاست گدایی ...

در شماره ۱۶ فروردین ماه خود درج کرد، نوشت: "بهای دلار به ۲۴۰ تومان افزایش یافت و اگر دولت، واسطه ها را محدود نکند در هفته های آینده بهای ارزها بار دیگر افزایش خواهد یافت". واقعیت اینست که در چارچوب سیاست اجرایی کنونی، خصوصاً در پی اعلام سیاست تک نرخی شدن ارز توسط دولت رفسنجانی و با توجه به اینکه بیش از ۱۹ هزار میلیارد ریال نقدینگی در دست بخش خصوصی متمرکز گردیده است، تلاش بانک مرکزی برای تعیین نرخ ارز را تنها می توان در چارچوب شوخی بی مزه ای ارزیابی کرد. به گفته حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس: "در حال حاضر بانک مرکزی هیچگونه دخالتی در تعیین نرخ ارز ندارد و برای دلاری که توزیع نمی کند نرخ تعیین می کند". ما از مدتها پیش، خصوصاً هنگامیکه هاشمی رفسنجانی بودجه سال جاری را به مجلس ارائه کرد، پیش بینی کردیم، سیاست های فعلی اقتصادی که عمدتاً بر پایه فروش ارزان نفت برای تامین ورود کالاهای مصرفی استوار است، کشور را در بحران بیشتری فرو خواهد برد. ورشکستگی بسیاری از واحدهای تولیدی کشور، شایعه بسته شدن مراکز تولیدی بزرگی مانند شرکت بوتان گاز و شرکت نساجی کاشان با هزاران کارگر، بسته

به مناسبت ۲۲ آوریل، سالروز میلاد لنین بزرگ

«لنین زیست، لنین میزید، لنین خواهد زیست.»

۲۲ آوریل ۱۹۹۴ مصادف است با صدویست و چهارمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین. صدویست و چهار سال پیش در چنین روزی ولادیمیر ایلیچ لنین، متفکر و انقلابی بزرگ و بنیانگذار نخستین حزب طراز نوین مارکسیستی جهان تولد یافت. شبی که به گفته مارکس و انگلس در اروپا در گردش بود، بدست لنین، و بازوی پرتوان کارگران و زحمتکشان روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ به واقعیت انکار ناپذیری بدل شد که دنیای سرمایه داری را لرزاند و ناقوس تغییر دنیای معاصر را به صدا درآورد.

لنین به مثابه یک متفکر بزرگ، با اندیشه های مارکس و انگلس برخوردی خلاق کرد. لنین با توجه به تحولات جهان در آن دوران و ضرورت های مبارزه، افکار و نظرات مارکس و انگلس را بسط داد و تکامل بخشید. لنین عمیقاً به این حقیقت اعتقاد داشت که مارکسیسم مذهب نیست، مارکسیسم نظریه فشری و جامدی نیست که احکام آن یک بار برای همیشه تنظیم شده باشد و مانند کتب مذهبی بلا تغییر بماند. لنین در زمینه شناخت سیستم سرمایه داری و تکمیل کاری که مارکس با اثر مشهور خود "کاپیتال" آغاز کرده بود، کوشش زیادی نمود و در پی بررسی های علمی خود در آن دوران به این نتیجه مهم رسید که سرمایه داری در مراحل انتهایی رشد خود به مرحله امپریالیسم می رسد. لنین در این باره نوشت: "نیم قرن پیش هنگامی که مارکس "کاپیتال" خود را می نوشت، رقابت آزاد از نظر اکثریت اقتصاددانان "قانون طبیعت" به شمار می رفت. علم فرمایشی می کوشید این نظر مارکس را ... که رقابت آزاد موجب تمرکز تولید می شود و این تمرکز در مراحل معینی از تکامل خود، کار را به انحصار می کشاند، با توطئه سکوت معدوم نماید... اقتصاددانان برای توصیف مظاهر انحصار پشته ها کتاب می نویسند و در عین حال همچنان یک صدا اعلام می کنند که "مارکسیسم رد شده است". ولی بر اساس ضرب المثل انگلیسی واقعیات سر سخت هستند و خواه و ناخواه باید آنها را به حساب آورد. واقعیات نشان می دهند که تفاوت میان برخی از کشورهای سرمایه داری مثلاً در مورد حمایت گمرکی یا بازرگانی آزاد فقط شامل تفاوت های ناچیزی در شکل انحصار یا زمان پیدایش آنها است و حال آنکه پیدایش انحصار در نتیجه تمرکز تولید، به طور کلی قانون عمومی و اساسی مرحله کنونی تکامل سرمایه داری است..." (لنین آثار منتخب، جلد اول - ترجمه فارسی ص ۵۲۶ - ۵۲۵).

در سال های اخیر، خصوصاً در پی تحولات کشورهای اروپای شرقی و شکست مدل سوسیالیستی در این کشورها بسیاری از "نظریه پردازان چپ" نیز با تغییر اوضاع و تغییر جهت ورزش باد، مدعی شدند که پایان سوسیالیسم در اتحاد شوروی به معنی "پایان لنینیسم است". این حضرات بدون آنکه دلیلی قانع کننده در این زمینه ارائه دهند و یا اعلام کنند که این شکست، شکست کدام بخش از نظریه لینیایی بوده است و بدتر از

همه بدون آنکه خود اطلاع دقیق و عمیقی از اندیشه های لنین داشته باشند، داهیانه "دفن لنینیسم" را اعلام کردند. برای این افراد با "تمام شدن لنینیسم" مسایل و مقولاتی مانند "امپریالیسم"، "حزب پرولتری" و ... نیز پایان یافت و اینک بشریت می تواند در "آرامش" و "رفاه" در پرتو "نظم نوین جهانی" به زندگی خود ادامه دهد. مخالفت ما با چنین اندیشه های خام و اکثراً فرصت طلبانه، نه از داوری جزم گرایانه ما، بلکه بر حقایق علمی انکار ناپذیر استوار است. لنین به شیوه ای کاملاً علمی به بررسی شرایط رشد سرمایه داری در آن دوران پرداخت و به نتایج بسیار درخشانی رسید. نتایجی که در کلیات خود همچنان اعتبار علمی خود را حفظ کرده است. برای آنکه ادعای بی پشتوانه نکرده باشیم توجه خوانندگان را به این نظر لنین پیرامون ویژگی های رشد سرمایه داری جلب می کنیم: "سرمایه داری در جریان رشد خود، به سیستم جهانی ستمگری مثنی کشورهای "پیشرو" براهی عظیمی از سکنه روی زمین و اختناق مالی آنها بدل گردیده است... امپریالیسم مرحله تاریخی ویژه ای از سرمایه داری است. این مرحله دارای سه ویژگی است: امپریالیسم اولاً سرمایه داری انحصاری است، ثانیاً سرمایه داری طفیلی یا در حال فساد است و ثالثاً سرمایه داری در حال نزاع است..." (لنین، آثار منتخب، ص ۵۱۳ و لنین، امپریالیسم و انشعاب در سوسیالیسم، ص ۲۹۶).

اصول و خطوط کلی که لنین پیرامون سرمایه داری در مرحله امپریالیسم بیان کرده است طی چند دهه گذشته بارها به اثبات رسیده است. بدیهی است که لنین نمی توانست و نمی خواست به مثابه یک "پیشگو" تمامی تحولات سیستم سرمایه داری، از جمله انقلاب عظیم انفورماتیک در جهان را تا انتهای قرن بیستم پیش بینی کرده و اثرات آن را بر رشد سرمایه داری ارزیابی کند. ارزش و اعتبار لنینیسم نه به این "پیشگویی ها"، بلکه در شناخت علمی این سیستم و گشودن درها برای بسط و تعمیق این شناخت بود.

کار بزرگ لنین در بسط شناخت مارکسیستی مقوله دولت و توضیح و تشریح آن در چارچوب سوسیالیستی، از دیگر عرصه های مهمی است که می توان به آن اشاره کرد. لنین در اثر معروف خود "دولت و انقلاب" ضمن مقابله با تحریفاتی که از چپ و راست در این عرصه انجام می گرفت به صراحت اعلام کرد: "آموزش مارکس و انگلس درباره ناگزیری انقلاب قهر آمیز، به دولت بورژوازی مربوط است. تبدیل این دولت به دولت پرولتری نمی تواند از طریق "زوال" انجام پذیرد... عبارت "دولت زوال می یابد" (از سوی مارکس و انگلس) بسیار بیجا و رسا انتخاب شده است، زیرا هم تدریجی بودن روند و هم خود انگیخته بودن آن را نشان می دهد... در جامعه سرمایه داری ما با دموکراسی سرودم بریده، دروغین و فقط برای توانگران یعنی اقلیت سروکار داریم... فقط

کمونیسم می تواند دموکراسی واقعاً کامل را تامین کند و هراندازه این دموکراسی کامل تر شود، (دولت) بیشتر غیر لازم خواهد شد و خود به خود زوال خواهد یافت... (دولت و انقلاب، متن فارسی ص ۱۹۴). کار مهم دیگر لنین در عرصه سازماندهی طبقه کارگر بود. لنین با توجه به آموزش های مارکس و انگلس و با درک ویژگی های اجتماعی روسیه آن زمان نخستین حزب مارکسیستی - انقلابی دوران ما را پایه ریزی کرد و توانست در یکی از حساس ترین دوران های تاریخی اروپا نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان را در محاصره کامل سرمایه داری به پیروزی برساند. کوتاه سخن لنین در زمان بسیار کوتاهی، از نظر تاریخی، نقشه سیاسی - اجتماعی جهان را تغییر داد و افسانه "ابدی بودن" سرمایه داری را به خاک سپرد. امروز با گذشت بیش از ۷۵ سال از پیروزی نخستین انقلاب سوسیالیستی در جهان و علی رغم همه عقب گردها و شکست های موضعی سال های اخیر و با توجه به فاجعه ای که سرمایه داری در کشورهای سابق سوسیالیستی خلق کرده است، زحمتکشان سراسر جهان بیش از هر زمان دیگری به ارزش های والای اخلاقی - انسانی سوسیالیسم پی می برند و درک می کنند که حتی مدل معیوب و ناصحیح سوسیالیسم از پیشرفته ترین نظام سرمایه داری از نظر عدالت و انسانیت بسیار برتر است. پیرامون کار بزرگ و شخصیت لنین بسیاری از شخصیت های معاصر لنین، مطالب گوناگونی نوشته اند که در این نوشته مختصر نمی گنجد. به قول جرج لنبری، سردبیر روزنامه "دیلی هراللد" و از رهبران حزب کارگر در انگلستان: "من با رجال دولتی بسیاری از کشورهای ملاقات کرده ام و اشخاصی را که در رأس حکومت کشورم قرار دارند به خوبی می شناسم. هیچیک از آنها نمی تواند از لحاظ ژرفای دانش، جوانمردی و نیت شریف به پای مردی برسد که امروز مردم روسیه را الهام می بخشد و به دنبال خود می برد... لنین هیچیک از مشخصات رجال دولتی را ندارد، نه حرکاتش و نه لحن بیانش... وضع و اثاث شخصی او بسیار ساده بود. خدمتکار نداشت... با لباس ساده خویش به یک استاد کار شبیه بود..." (از "دیلی هراللد"، آوریل ۱۹۲۰).

اندیشه هایی که مارکس، انگلس و لنین به جهان ما عرضه کردند، آغازگر دوران نوینی در زندگی بشریت و سرآغاز راهی شد که در انتهای آن آزاد شدن بشریت از قیدها و زنجیر ستم استثمار طبقاتی و بی عدالتی اجتماعی قرار دارد. بر پایه چنین درکی است که ما این گفته مایاکوفسکی را همچنان تکرار می کنیم که: "لنین زیست، لنین میزید و لنین خواهد زیست". نقش تاریخی و دورانساز لنین به مشعلی می ماند که شعله های آن همچنان روشنی بخش راه دراز، پریچ و خم و دشوار مبارزان راه آزادی و بنیانگذاران جامعه آتی بشریت، جامعه رها از استثمار انسان از انسان و جامعه واقعاً آزاد و عادلانه، جامعه سوسیالیستی، است.

اعتصاب در شیراز

روز شنبه ۲۰ فروردین ماه، رانندگان اتوبوس های شهری در شیراز دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. این اعتراض که اولین اعتصاب در سال جدید بود با خواست افزایش حقوق و مزایای شغلی انجام گرفت. علینقی بهرامی، استاندار فارس با تایید اعتصاب مذکور اظهار داشت که رانندگان پس از «مداخله» شهردار و قول های مساعد وی در مورد «رسیدگی» به خواست آنان، پس از یک روز به سر کارهای خود بازگشتند.

بزرگترین معامله در تاریخ بورس

کشور توسط مقامات دولتی

چندی پیش، الله وردی رجایی سلماسی، دبیرکل سازمان بورس اوراق بهادر ضمن تشریح فعالیت های این سازمان در سال ۱۳۷۲، اعلام داشت که در تاریخ ۱۸/۱۲/۷۲ طی «بزرگترین معامله در تاریخ بورس کشور»، شرکت دولتی «ایران وانت» به مبلغ ۶/۷۵ میلیارد تومان به «۱۴ بازرگان» فروخته شده است. وی از اعلام اسامی خریداران این شرکت بزرگ و سودآور تولیدی که تنها در سال ۷۱، ۱۰ هزار دستگاه وانت مزدا تولید کرد، خودداری کرد.

یکماه پس از انجام این «معامله» و در تاریخ ۱۸/۱/۷۳، روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی مصاحبه فردی به نام «مصطفی میری»، مدیر عامل «موسسه پیشگامان سازندگی» را منتشر ساختند. وی در این مصاحبه با اعلام خرید شرکت «ایران وانت» توسط «موسسه مذکور» (که برای اولین بار موجودیت آن اعلام می شد) گفت: «موسسه پیشگامان سازندگی با تأیید مقام معظم رهبری و به دستور رئیس جمهور و ... با هدف سازماندهی و پشتیبانی نیروهای حزب الهی در صحنه های اقتصادی و به منظور کمک به استقلال کشور و ... با عضویت ۵۰ هزار بسیجی تشکیل شده است».

میری سپس از علی لاریجانی، رئیس سازمان صدا و سیما، محسن رفیق دوست، سرپرست بنیاد مستضعفان، محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران، علینقی خاموشی، رئیس اتاق صنایع و بازرگانی، علی فلاحیان، وزیر اطلاعات و تعداد دیگری از مقامات رژیم به عنوان اعضای هیئت مدیره «موسسه» نامبرد. وی در این مصاحبه نکفت که چرا یکماه قبل و در موقع فروش شرکت «ایران وانت»، تشکیل «موسسه پیشگامان سازندگی» توسط مسئولین رژیم اعلام نشد و از این «پیشگامان سازندگی» کشور به عنوان «۱۴ بازرگان» یاد شد.

تحویل کردهای مخالف دولت ترکیه

توسط رژیم جمهوری اسلامی

نزدیک به چهار ماه پس از انعقاد قرارداد دو جانبه امنیتی میان دول ایران و ترکیه، مطبوعات ترکیه خبر دادند که دولت جمهوری اسلامی برای اولین بار اعضای «حزب کارگران کرد ترکیه» را به مقامات مرزی آن کشور تحویل داده است. بنابراین گزارشات، تحویل ۱۴ نفر از اعضای حزب مذکور (که ۵ نفر از آنان زخمی بودند) بهمراه جسد یکی دیگر از اعضای حزب نامبرده در اواخر اسفند ماه سال گذشته صورت گرفته است.



یکی از مقامات امنیتی ترکیه اعلام کرد که مذاکره با مقامات ایرانی به منظور تحویل تعداد بیشتری از چریکهای وابسته به حزب یاد شده، ادامه دارد.

تلاش رژیم برای تشدید فشار بر

مطبوعات مستقل

پور نجاتی، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی در رابطه با سوال یکی از خبرنگاران در زمینه «جلوگیری از انتشار نشریات بی تفاوت به انقلاب» گفت: «سهیمه سویسید و کمکهایی را که معمولاً به مطبوعات می دهیم از مطبوعات دکراندیش که خود را با ضوابط انقلاب و معیارهای ما تطبیق ندهند می گیریم و به مطبوعاتی که ارزش های انقلابی را تبلیغ می کنند می دهیم». وی در ادامه افزود: «به مطبوعات متخلف تذکر می دهیم، بعد اخطار می کنیم و بار سوم امتیازشان را لغو می کنیم». پور نجاتی در این مصاحبه از اجرای «قانون جدید» مطبوعات سخن راند که براساس آن «در دادن امتیاز نشریات سخت گیری خواهد شد». نکته قابل توجه در مصاحبه معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آن بود که وی در قسمت دیگری از گفته هایش به عدم استقبال مردم از مطبوعات اشاره داشت و تیراژ روزنامه ها را در ایران «تاسف آور» خواند. پور نجاتی دلایل این امر را «یکنواختی مطالب مطبوعات فعلی ایران، ناکارآمد بودن شیوه های مطبوعاتی و نداشتن نیروی انسانی حرفه ای» دانست. وی توضیح نداد که چگونه با کوشش برای تطبیق تمامی مطبوعات با معیارهای «ما»، «کرداندگان رژیم» و تعطیلی «مطبوعات متخلف» می توان به «یکنواختی مطالب مطبوعات و ...» پایان داد.

توقف طرحهای عمرانی وزارت

آموزش و پرورش

دکتر نجفی، وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد به دلیل ۷٪ کاهش میزان پیشنهاد شده برای بودجه سال ۱۳۷۳ وزارت آموزش و پرورش توسط مجلس شورای اسلامی، هیچ طرح عمرانی در آموزش و پرورش ایران انجام نخواهد شد. وی گفت: «ما ۷/۵ درصد افزایش دانش آموز در سال تحصیلی ۷۴ - ۷۳ خواهیم داشت و لذا رشد ۴/۵

درصدی بودجه این وزارتخانه کافی نیست». نجفی همچنین خبر داد: «برای کلیه ده ها هزار فارغ التحصیل دوره های تربیت معلم کار وجود ندارد».

هیئت دولت جمهوری اسلامی به

عقب نشینی وادار شد

علی محمد بشارتی، وزیر کشور طی مصاحبه مطبوعاتی در روز دوشنبه ۱۵ فروردین ماه اعلام کرد: «کلیه آنتن های ماهواره ای ظرف دو ماه آینده جمع آوری و از نصب آنها جلوگیری می شود». وی پس از تأکید بر تصویب این موضوع در هیئت دولت و «غیرقانونی» خواندن «نصب آنتن های بشقابی»، به عنوان «جانشین فرمانده کل قوا در نیروهای انتظامی»، سال جدید را «سال نظم و امنیت عمومی» خواند و گفت: «نیروهای انتظامی موظفند با تهاجم فرهنگی غرب و فساد فرهنگی به شدت مقابله کنند».

این سخنان با انتقادهای شدید مردم و برخی مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی مواجه گشت. روزنامه «جهان اسلام» نوشت: «ممنوعیت استفاده از آنتن های بشقابی نتیجه مثبت و ثابتی ندارد». روزنامه «ابرار» طی گزارشی مفصّل با اشاره به شکست تلاش های ۱۲ ساله رژیم برای ممنوعیت ویدیو نوشت: «نسل جوان احتیاج به برنامه های مفید و سرگرم کننده دارد که نمونه آن را در برنامه شبکه های تلویزیونی ایران نمی تواند پیدا کند و به همین جهت به برنامه های ماهواره ای روی می آورد». روزنامه «سلام» نیز با انتشار اعتراضات مردم گزارش داد: «از پاییز گذشته بیش از ۵۰ هزار آنتن بشقابی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران نصب شده است ... و روزانه حدود ۴۰۰ آنتن بشقابی در تهران نصب می شود».

مخالفت با تصمیم دولت به برخی مقامات وزارت ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما نیز کشیده شد و آنها از ضرورت «برنامه های با کیفیت تر و جالبتر تلویزیونی» به عنوان «تنها پاسخ موثر به تهاجم فرهنگی غرب از طریق برنامه های تلویزیون ماهواره ای» سخن گفتند.

بالاخره تنها پس از ۶ روز، بشارتی در مصاحبه دیگری اعلام کرد: «دولت هنوز درباره چگونگی مبارزه با رواج استفاده از برنامه های تلویزیونی ماهواره ای در ایران تصمیم نگرفته است و تصمیم نهایی ظرف یکماه آینده اعلام خواهد شد ... استفاده از آنتن های ماهواره ای غیرقانونی نیست اما به مجوز نیاز دارد».

افزایش نرخ پست و مکالمات تلفنی

بدنبال افزایش قیمت بلیط قطارهای مسافری، اینک مطبوعات رژیم از افزایش نرخ پست به میزان ۹۰۰ درصد و افزایش نرخ مکالمات تلفنی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد خبر می دهند.

وزارت پست و تلگراف و تلفن اعلام کرد این تصمیم، بخشی از «ضوابط جدیدی» است که در رابطه با «حذف سوبسیدهای دولتی» اتخاذ شده است. سال گذشته نیز این وزارتخانه نرخ مکالمه تلفن بین شهری را ۳۰۰ درصد افزایش داده بود.

۸۲۰ میلیون نفر بیکار

تعداد بیکاران در آغاز سال ۱۹۹۴ در سطح جهان به ۸۲۰ میلیون نفر بالغ گردیده است. این عده ۳۰٪ از افراد مستعد کار در جهان را شامل می شود. گذشته از آن ۷۰۰ میلیون نفر از افراد شاغل نیز، از آنجا که درآمد کافی برای تامین حداقل مایحتاج زندگی خود ندارند را باید بحساب نیمه شاغلان گذاشت. این ارقام را سازمان جهانی کار در اوایل ماه مارس سال جاری منتشر ساخته است.

این سازمان از بزرگترین بحران بازار جهانی کار، بعد از بحران سال های ۱۹۳۰ سخن می گوید. رئیس این سازمان آقای «هانسنه» براساس آمار و اطلاعات لازم چنین نتیجه می گیرد که در حال حاضر، در بازار کار جهانی، آن چنان «بحران عمومی» حکمفرماست که بسیار جدی تر از مشکلات اقتصادی سال های ۱۹۸۰ می باشد.

برای اولین بار کشورهای صنعتی نیز، همانند کشورهای رشد یابنده با یک «بیکاری طولانی مدت و جان سخت» روبرو هستند. برای مثال بیکاری در کشورهای عضو «اتحادیه اروپا» از جمله اسپانیا ۲۲/۷ درصد، ایرلند ۱۷/۶ درصد، بریتانیا ۹/۸ درصد و آلمان ۸/۹ درصد نیروی کار را شامل می شود.

الجزایر

نخست وزیر، رضا ملک، که دارای مواضع رادیکال ضد بنیادگرایان اسلامی بود در ۲۲ فروردین از مقام خود استعفا نمود. رئیس جمهور به سرعت مقاد سیفی، یک تکنوکرات را به جانشینی او منصوب کرد. تحلیل گران سیاسی الجزایر معتقدند که نقش عمده نخست وزیر جدید اجرای موافقتنامه اخیری است که رضا ملک روز قبل از استعفایش با صندوق بین المللی پول امضا کرده است. طبق این موافقتنامه در مقابل کاهش ارزش دینار الجزایر، وام های قبلی الجزایر تجدید زمان بندی، و یک میلیارد دلار وام جدید به الجزایر داده خواهد شد.

تغییرات اخیر در الجزایر هم زمان با تشدید تشنج بین دو جناح عمده رژیم این کشور صورت می گیرد. رضا ملک نماینده جناحی بود که خواستار موضعگیری غیر منطقی و سخت علیه بنیادگرایان اسلامی «جبهه نجات اسلامی» است. در مقابل، جناحی از رژیم خواهان جستجوی یک راه حل سیاسی برای بحران موجود است. در اولین عکس العمل های علنی نسبت به این تغییرات، «جبهه نجات اسلامی» که بدنبال اتخاذ شیوه های خشونت آمیز علیه دولت، دوسال پیش غیر قانونی اعلام شده بود، انتخاب نخست وزیر جدید را خوش آمد گفت. رباح کبیر، سخنگوی رسمی رهبری «جبهه نجات اسلامی» در مهاجرت گفت که تمویض نخست وزیر سابق رضا ملک، «یک عمل مثبت در چارچوب جستجوی یک راه حل از طریق مذاکره می باشد. ما معتقدیم زمان آن رسیده است که سیاست صلحی را انتظار داشته باشیم که منجر به دادن حق اظهار نظر آزادانه به مردم الجزایر گردد».

شرایط «جبهه نجات اسلامی» برای مذاکره با دولت، آزادی زندانیان سیاسی و منجمله رهبران زندانی جبهه است. «جبهه نجات اسلامی» همچنین خواهان ملاقات آزادانه با رهبران جنبش بنیادگراست



که هم اکنون مخفی هستند و یا در مهاجرت به سر می برند.

اوکراین

با اعلام نتایج دور دوم انتخابات اوکراین، مشخص شده است که حزب کمونیست و متحدان آن قدرتمندترین نیرو را در پارلمان جدید تشکیل می دهند. نتایج غیر رسمی حاکی از این هستند که بلوک چپ متشکل از حزب کمونیست بعنوان محور اصلی و حزب سوسیالیست و حزب چپ دهفانی ۱۲۴ کرسی از ۴۵۰ کرسی موجود را بدست آورده اند. نتایج انتخابات از نوعی قطعی شدن اوکراین براساس تقسیمات جغرافیایی حکایت می کند. شرق اوکراین که منطقه صنعتی کشور محسوب می شود در کنترل کمونیست ها و متحدانش می باشد در حالی که نفوذ حزب ناسیونالیست روح در منطقه غرب و مرکز اوکراین محسوس است. در منطقه کریمه که اکثریت ساکنان آن روس هستند، ناسیونالیست های روس کنترل ارگان های محلی را بدست دارند.

رهبران حزب کمونیست از زمان استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ خواهان روند سپردن صنایع و مزارع به بخش خصوصی بوده اند. رهبر حزب ناسیونالیست روح، ویچسلاو چرونویل با قبول شکست در انتخابات که در آن حزب او فقط ۶۰ کرسی بدست آورده گفت: «این برای ما پیروزی نیست». روح در سال های اخیر پرچم جنبش جدایی اوکراین از اتحاد شوروی سابق و ناسیونالیسم اوکرائینی را بر دوش داشته است. حضور ۵ ناسیونالیست افراطی منجمله ۳ نماینده از نیروی شبه نظامی در «مجلس ملی اوکراین» نمایشگر قطعی شدن جامعه اوکراین می باشد. در شبه جزیره کریمه از ۲۳ کرسی موجود ۱۲ کرسی، بدلیل بایکوت انتخابات از سوی ناسیونالیست های روس، خالی ماند و ۸ کرسی دیگر به کاندیداهاى حزب کمونیست تعلق گرفت. در نتیجه قوانین پیچیده انتخاباتی، حدود ۱۲۰ کرسی خالی مانده است که به انتخابات میان دوره ای کشیده خواهد شد. بالغ بر یک سوم نمایندگان انتخاب شده خود را مستقل معرفی کرده اند. از هم اکنون مذاکرات جهت جذب متحدین از سوی بلوک چپ و حزب روح آغاز شده است. در حالیکه بلوک چپ، در پروسه محکم کردن اتحاد سه گروه بندی چپ در پارلمان می باشد. حزب روح تماس های غیر رسمی خود را با یک گروه بندی راست میانه

به رهبری نخست وزیر پیشین، لئونید کوچما آغاز نموده است.

آوزانتین

با اعلام نتایج انتخابات پارلمانی در روز ۲۱ فروردین هواداران جبهه وسیع چپ آوزانتین از جمله حزب کمونیست پیروزی چشمگیر خود را در حوزه های انتخاباتی پایتخت بوئنوس آیرس جشن گرفتند.

پرزیدنت «کارلوس منم» در مقابل به نتایج انتخابات در کل کشور اشاره کرد که براساس آن حزب پرونیست او ۳۸٪ آرا را بخود اختصاص داده است و اکثریت مطلق را در پارلمان آینده در دست خواهد داشت. انتظار می رود که پارلمان جدید در اولین تصمیمات خود قانون اساسی را تغییر دهد و امکان کاندیداتوری «کارلوس منم» را برای یک دوره دیگر ریاست جمهوری بوجود آورد. در حال حاضر یک فرد نمی تواند برای دو دوره متوالی رئیس جمهور باشد.

رهبر جبهه وسیع چپ کارلوس آلوارز در تحلیل آرا گفت: «این یک پاسخ منفی به فساد است، یک جواب نه به انتخات مجدد منم». در بوئنوس آیرس جبهه وسیع چپ پیش از ۳۵ درصد آرا را بخود اختصاص داد و ۱۰ درصد از حزب پرونیست رئیس جمهور پیشی داشت. حزب رادیکال با کمتر از ۱۵ درصد آرا در مقام سوم قرار دارد. جبهه وسیع چپ که شامل، حزب کمونیست آوزانتین، پرونیست های مخالف پرزیدنت منم و گروه های مستقل می باشد از سوی مردم بعنوان تنها آلترناتیو واقعی محسوب می شود. جبهه وسیع همچنین برنده انتخابات ایالت جنوبی نئوکوش شده است. کاندیدای اصلی جبهه در این منطقه یک اسقف کاتولیک است که مواضع پیگیری علیه نقض حقوق بشر دارد. نتیجه انتخابات در ۲۴ حوزه انتخاباتی بوئنوس آیرس یک پیروزی بی سابقه برای چپ به شمار می رود.

کردستان عراق

سقوط دو هلیکوپتر آمریکایی بر فراز کردستان توسط موشک های شلیک شده از سوی جنگنده های آمریکایی در روز ۲۵ فروردین ماه منجر به مرگ همه ۲۶ سرنشین و خدمه هلیکوپترها گردید. هلیکوپترها حامل مقامات نظامی ناتو و برخی رهبران کرد بودند که عازم یکی از دهکده های دور افتاده شمال کردستان بودند. شرایط و دلایل وقوع چنین حادثه ای، مشکوک و سؤال برانگیز است. حمله جنگنده های اف-۱۵ به هلیکوپترها علی رغم این واقعیت بوده است که خلبان هواپیما اطلاع داشته که هلیکوپترها در آن منطقه در پرواز خواهند بود. روال معمول این بوده است که هم هلیکوپترها و هم جنگنده ها در تمام طول پرواز و عملیات با سیستم اخطار هوابرد (آواکس) در ارتباط دائمی باشند. به گفته ژنرال ریچارد کلر، فرمانده ستاد نیروهای آمریکا در اروپا خلبانان هلیکوپترها و نیز هر ۳۴ هواپیمای جنگنده روز قبل از این حادثه نظیر چنین عملیاتی را تمرین نموده بودند. وزیر دفاع آمریکا در واشنگتن گفت: «باید اشتباهی رخ داده باشد و همچنین در پروسه کار نواقصی موجود باشد. من فکر نمی کنم ما قادر باشیم که یک اشتباه جداگانه را بعنوان علت حادثه ای با چنین ابعادی پیدا کنیم».

تربیت «معلم قرآن» به جای کادر متخصص به منظور «مقابله با تهاجم فرهنگی»!

نسبت به فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رژیم قرون وسطایی حاکم به تنگ می آیند و به دنبال راه چاره می گردند.

اما برخلاف تصور رژیم، این ترفندها هیچگاه نتوانسته اند چشم مردم را از دیدن واقعیات تلخ و عریانی که هر روز با پوست و گوشت خود لمس می کنند باز دارند. به عنوان نمونه، حسن شعبانی، عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی، در مصاحبه ای با خبرنگار نشریه «کار و کارگر» می گوید: «اگر نسل جوان در معرض فقر، بیکاری، تبعیض سیاسی و اجتماعی و آینده ای نامعلوم قرار گیرد، هویت خود را از دست می دهد و احساس بیکانگی و تنفر از خود و جامعه به او دست می دهد و به سوی فرهنگ بیکانه گرایش پیدا می کند». یک دانشجوی رشته اقتصاد دانشگاه تهران در همین رابطه می گوید: «به نظر من مهمترین راه برای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب پویایی و استقلال واقعی اقتصادی در کشورهای جهان سوم بطور اعم و کشور خودمان به طور اخص می باشد زیرا تا زمانی که کشورهای جهان سوم دارای وابستگی اقتصادی باشند در پی آن وابستگی و تهاجم فرهنگی را هم باید پذیرا باشند زیرا اقتصادیات و اجتماعات از یکدیگر جدا نیست». با توجه به این گفته های علمی و غیرقابل انکار، چه کسی جز سرمداران رژیم را می توان مسئول ورشکستگی اقتصادی میهن، و به تبع آن، بحران فرهنگی موجود در جامعه و پایمال شدن «هویت» تاریخی مردم شناخت؟

درصد جمعیت کشور، یعنی بیش از ۱۴ میلیون، هنوز بیسواندند، هرساله ۷۵۰ هزار نفر به افراد واجب التعلیم کشور افزوده می شوند، و حتی با حفظ نظم دو نوبته مدارس. نظام آموزشی کشور هرسال با کمبود بیش از ۱۲۵۰۰ کلاس درس جدید و صدها هزار آموزگار دوره های ابتدایی و متوسطه روبرو است. و همه این ها در حالی است که به اذعان آمارگران خود رژیم، بیش از ۴۰ درصد جمعیت شاغل کشور به طور کامل بیسواندند، و تنها ۴/۷ درصد آنها تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند.

در اینجا سخن از نادیده گرفتن ضرورت احترام به علایق مذهبی مردم میهن نیست. حزب ما همواره به این علایق، که ناشی از شرایط عینی و تاریخی مرحله کنونی رشد جامعه ما هستند، احترام گذاشته و هرگونه رویارویی ذهن گرایانه و خارج از چارچوب تاریخی به این اعتقادات شخصی را مردود شناخته است. آنچه در اینجا مخاطب ما است سیاست و خط مشی حکومتی است که در عین رها کردن توده های زحمتکش میهن در فقر و کرسنگی و گرانی و بی خانمانی و بیکاری و نبود آموزش و بهداشت، منابع محدود کشور را که خود در نابودی آنها سهم بسزایی داشته است، به بهانه «مبارزه با تهاجم فرهنگی» — که این نیز چیزی جز یک پوشش فریبکارانه برای تشدید سرکوب میلیونها شهروند ناراضی نیست — در خدمت پیشبرد «تبلیغات» انحصارطلبانه و فریبکارانه خود قرار می دهد. در اینجا صحبت از به اصطلاح «دنبال نخود سیاه فرستادن» مردمی است که هر روز بیش از پیش

در حالی که میهن بحران زده ما از نبود امکانات آموزشی و بیکاری گسترده به ویژه در میان جوانان، و کمبود کادر متخصص و نیروی کار آموزش دیده در سطح کشور رنج می برد، سرمداران رژیم، از جمله ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، از ضرورت «پروکردن اوغات فراغت جوانان با قرآن» به منظور «مقابله با تهاجم فرهنگی» سخن می گوید.

وی که چندی پیش در «سمینار مسئولان کانون های قرآن» سخن می گفت، ضمن تأکید بر این نکته که «یکی از دلایل مهم تهاجم فرهنگی دشمن موفقیت انقلاب اسلامی در بعد فرهنگی است»، گفت: «باید حرکت های آموزش قرآن در جهت هدایت شود که فرهنگ آموزش قرآن در منازل و مساجد گسترش یافته تا مردم به صورت خود جوش برای آموزش قرآن گرایش پیدا کنند».

به دنبال سخنان ناطق نوری، محمد عراقی، «رئیس سازمان تبلیغات اسلامی»، از «دستاوردهای رژیم در این عرصه یاد می کند و می گوید: «دارالقرآن کریم سازمان تبلیغات اسلامی علی رغم وجود مشکلات و کمبودهای [!] مختلف، اقدامات مؤثری را در جهت آموزش قرآن به عمل آورده است» و با افتخار یادآور می شود که «یکی از مهمترین حرکت های این سازمان در زمینه آموزش قرآن، تربیت بیش از چهار هزار معلم قرآن در سیزده دوره مختلف می باشد». این صحبت فخر فروشانه در مورد تربیت «بیش از چهار هزار معلم قرآن» در حالی انجام می گیرد که به اذعان آمارهای رسمی خود رژیم، ۳۲

اخبار زحمتکشان

واگذاری ۵۴ شرکت سازمان صنایع ملی ایران به بخش خصوصی
ایرج اکبری، معاون مالی و اداری سازمان صنایع ملی رژیم، در روز سوم بهمن ماه اعلام کرد که از زمان شروع واگذاری شرکت های تحت پوشش این سازمان به بخش خصوصی در دی ماه ۱۳۶۹، «تاکنون ۵۳ میلیون و ۹۲۳ هزار و ۶۲۲ سهم به ارزش حدود ۴۰۰ میلیارد ریال به بخش خصوصی واگذار شده است». طبق گفته وی، «تا اول بهمن سال ۱۳۷۲ مالکیت ۵۴ شرکت از ۱۵۰ شرکت تحت پوشش این سازمان از طریق بورس اوراق بهادار تهران و مزایده به تملک بخش خصوصی در آمده است». طبق پیش بینی اکبری، «تا پایان سال ۷۲ سهام ۱۲ شرکت به ارزش ۳۰ میلیارد ریال نیز از طریق بورس و مزایده به متقاضیان واگذار خواهد شد». معاون اداری و مالی سازمان صنایع ملی همچنین اضافه کرد که «علاوه بر ۹۶ شرکت تحت پوشش باقی مانده، ۲۴ طرح در دست اجرای سازمان نیز که به تدریج به مرحله بهره برداری خواهند رسید، در برنامه دوم توسعه واگذار خواهند شد». وی اظهار امیدواری کرد که پس از تصویب آیین نامه های مربوط به واگذاری شرکت ها، «مسئله واگذاری سریعتر انجام خواهد شد»!

اعتراض به اخراج دسته جمعی کارگران در خوزستان و فارس
ابوطالبی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان، در جلسه مشترک نمایندگان کارگران خوزستان که اخیراً در شهر اهواز برگزار شد، ضمن تأکید بر نقش کارگران در بهبود وضعیت تولید کارخانجات، به سختی به اخراج کارگران از سوی مدیران کارخانه ها انتقاد کرد و گفت: «امروز دست برخی مدیران برای اخراج کارگران باز گذاشته شده است و اخراج نیروی کار خود تیری است که بسوی انقلاب شلیک می شود». دبیر اجرایی خانه کارگر خوزستان ضمن تأکید بر «لزوم توجه به تامین معیشت کارگران توسط مسئولین» خواستار شد که شورایی عالی کار «حداقل دستمزد کارگران را مطابق با تورم موجود تعیین کند زیرا، هم اکنون، دستمزد کارگران یک سوم تورم موجود در جامعه است». مشابه همین انتقادات از سوی شوراهای اسلامی کار در استان فارس مطرح شده اند. مویدی، رئیس هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار این استان نیز به اخراج دسته جمعی کارگران در این استان انتقاد کرد و این کار را «موجب دلسردی و ناامیدی کارگران» ارزیابی نمود. مویدی نیز خواستار تعیین دستمزد کارگران متناسب با تورم شد.

تفاهم با رژیم یلتسین ..

متاسفانه باید گفت که امروز هنوز زود است درباره آگاهی کامل صحبت کرد، آن هم در شرایطی که بسیاری با چشم بسته از خطی که ما انتخاب نکرده ایم، از حقه بازان و شیادان سیاسی و نیز از کسانی که اتحاد شوروی را نابود کرده اند، خونریزی بره انداختند، اقتصاد و ارتش را ویران نموده و ملت را تحقیر کردند، پشتیبانی می کنند...

... برای آن که اساسا اوضاع را دگرگون ساخت، ما به ایده جدیدی نیاز داریم، ایده اخلاقی و معنوی ای که با پاسخگویی به نیازهای مردم و میهن، از سوی اکثر شهروندان، مورد پذیرش و پشتیبانی قرار گیرد. تنها چنین ایده ای است که می تواند کشور را از دچار شدن به آنچه که در ماه های سپتامبر و اکتبر ۱۹۹۳ شاهد آن بودیم، نجات دهد. و نه قرارداد، آن هم با کسانی که به لحاظ لگد مال کردن و تحقیر حیثیت کشور و به لحاظ اخلاقی اصولا حق صحبت درباره آن را ندارند.

س- بسیاری از تحلیل گران بر این عقیده اند که اشتباه جدی روتسکوی، فرمان او درباره حمله به ساختمان شهرداری و ایستگاه رادیو و تلویزیون (استانکینو) بود. آیا واقعا هم بهتر نبود که تظاهر کنندگانی را که خط محاصره پارلمان را شکسته و به پارلمان آمده بودند در اطراف پارلمان نگاه داشت و منتظر رسیدن کمک از مناطق شد؟

ج- کدام کمک و از سوی چه کسی؟ ... آری، من مردم را به تسخیر «استانکینو» فراخواندم. اما مردم حتی قبل از فراخوان من و تسخیر ساختمان شهرداری و هتل «میر» (صلح)، بطرف رادیو و تلویزیون حرکت کرده بودند و امکان متوقف کردن آنان وجود نداشت. هرچند من سعی کردم این کار را بکنم. اما دیگر دیر شده بود، اوضاع دیگر بصورت خود بخودی پیش می رفت. اگر با دقت به فیلم های ویدیویی مربوط به این حوادث نگاه کنیم، درک این حقیقت دشوار نخواهد بود که هیچیک از مدافعین قانون اساسی به «استانکینو» تیراندازی نکردند. مردم طلب می کردند تا به نمایندگان امکان نطق از تلویزیون داده شود تا به مردم توضیح داده شود که اوضاع واقعی در کشور و در مسکو از چه قرار است. در پاسخ از داخل ساختمان (نیروهای دولتی) به روی مردم آتش گشودند. کشت و کشتار زیر نور پروژکتورها ادامه داشت، این کشتار حیوانی و جمعی مردم بود. از داخل ساختمان «استانکینو» از همه طرف بسوی مردم تیراندازی می شد، از آن گذشته، از داخل نفربرها بروی مردم تیراندازی می کردند. چه نیازی به این کار بود و چرا باید مردم را می کشتند؟ بفرض که بروی افراد مسلح آتش گشوده باشند، در این صورت چرا به بچه ها و زن ها تیراندازی می کردند؟ چرا به گزارشگر

تلویزیونی و به خبرنگارانی که میکروفون و دوربین فیلمبرداری در دست داشتند، تیراندازی می کردند؟ (خبرنگار انگلیسی برنامه اول تلویزیون سراسری آلمان «آ.ا.ر.د.» در جریان این تیراندازی ها کشته شد. مترجم) و اصولا مگر نیازی به تیراندازی بود؟

حکومت ادعا می کند که در «استانکینو» ۳۶ نفر کشته شده اند، و همان دروغی را که حتی یک کشته در داخل ساختمان پارلمان پیدا نشد، تکرار می کند ... بدون تردید زمان آن فرا خواهد رسید که همه ردها پیدا شود. تاریخ ما چنین نمونه هایی را بخاطر دارد. هرچقدر هم که رژیم تلاش کند گناه کشتار مردم را به گردن روتسکوی و خاسبولاتوف بیاندازد، زمان همه چیز را روشن خواهد ساخت و مردم دیر یا زود تمام حقایق را درباره این تراژدی خواهند دانست.

س- در این صورت چرا شما در دقایق نخست حمله ارتش به پارلمان، به مدافعین پارلمان فرمان دادید که شلیک نکنند؟ برخی از نظامیان معتقدند که فرمان روتسکوی، پارلمان را از دفاع لازم در مقابل نیروهای نظامی حکومتی محروم ساخت.

ج- این یک وراجی غیر مسئولانه است. فقط کسانی می توانند این گونه قضاوت کنند که خودشان در محل نبوده اند. آخر چطور می شود از ساختمانی که ۳۰ ورودی و پنجره های تمام نمای و بترینی دارد و در حالی که فقط ۱۳۰ قیضه اسلحه در اختیار هست، دفاع کرد؟ علیه ما صدها نفر، تانک و واحدهای هنگ ها و لشکرهای مختلف ارتش و وزارت کشور بکار گرفته شده بود. در مقابل همه این ارتش آیا می شد از ساختمان پارلمان دفاع کرد؟ مگر کسی به فکر پشتیبانی از ما افتاد؟ مگر ارتش به خشم آمد، مناطق بپا خاستند و مگر رهبران جامعه جهانی در این مورد موضع اعتراضی قاطعانه اتخاذ کردند؟ چنین چیزی نبود و این بدان معناست که کشتار بی معنی می بود... اما درباره نکته دیگری بگویم، اسقف اعظم روس، آلکسی دوم، قول داده بود که کلیسا هرکس را که در شلیک و خونریزی پیش قدم گردد، لعنت و نفرین کند. پس چرا وقتی تانک ها پارلمان را می کوبیدند، او این کار را نکرد؟ اگر او در آن روز به پارلمان می آمد و بین تانک ها و مدافعین پارلمان قرار می گرفت، هیچ حرامزاده ای جرات نمی کرد تیراندازی کند. او می توانست از این تراژدی جلوگیری کند، اما...

س- امروز در جامعه بطور وسیع از ایده آشتی و تفاهم بحث می شود، آیا نوعی تفاهم و آشتی ملی در جامعه کنونی ما ممکن است؟

ج- امروز خود رئیس جمهور درباره تفاهم صحبت می کند. اما دوباره فقط بردابره کوچکی

از سیاستمداران تکیه می کند. اما آخر تفاهمی که فقط توسط این و یا آن گروه از رهبران امضا شده باشد به معنای تفاهم مردمی و میهنی نیست، چنین تفاهمی تنها زمانی ممکن است که جامعه از ثبات برخوردار باشد. مردم از خوراک و مسکن برخوردار بوده و دولت از آنان و دارایی شان محافظت کند... اگر قبلا ممکن بود که اصلاحات را تصحیح کرد و آن را در جهت وظایف حیاتی و درجه یک که بر امر ثبات در جامعه موثر باشد، هدایت کرد، باید گفت امروز دیگر دیر شده است. هر آنچه را که می توانستند ویران بکنند، ویران کرده اند، کشور و مردم در آستانه نابودی قرار گرفته اند. اکنون جهت پایان دادن به هرج و مرج ناشی از در غلطیدن بسوی دولت جنایتکار راه جدیدی لازم است راه خروج از بن بست، راه اصلاحات مردمی.

... مگر این مفهوم نیست دولتی که حکومت و اقتصاد آن را دچار بحران عمیق ساخته، توانایی غلبه بر این بحران را ندارد، زیرا نه فقط نمی داند چه کند، بلکه استعداد آن را هم ندارد. در مورد کدام تصحیح اصلاحات اکنون می توان سخن گفت؟ در مورد کدام تفاهم و با چه کسانی؟ با آنانی که کشور را چاول و ورشکست کرده اند؟ با آنانی که بچه ها را از استراحت محروم ساخته اند و اردوگاه های استراحت پیشاهنگی و مدارس ورزشی را از بین برده اند؟ با آنانی که مردم را مجبور به جستجوی ته مانده های غذا در زباله دانی ها کرده اند؟ با کسانی که علوم، ارتش، فرهنگ، تحصیل و بهداشت را نابود کرده اند؟

س- در این صورت راه خروج از بحران فراگیر کنونی چیست؟

ج- در این باره سخن بسیار می توان گفت، اما به نکات زیر بسنده می کنم:

- برای آن که امروز کشور را از بحران خارج کرد، در وهله نخست لازم است که یک سیستم اداره ایجاد کرد، باید امکانات خودی مشخص گردد (و نه کمک ها و وام های افسانه ای دول خارجی که ضمنا باید روزی آن ها را بازپرداخت کرد)، اولویت های مهم در اقتصاد و عرضه اجتماعی که بر ثبات جامعه موثرند، تعیین گردد. این اولویت ها برای هر شهروندی مشخص است: خوراک، مسکن، بهداشت، تحصیل و رشد معنوی و مادی جامعه.

تنها آنگاه مردم احساس خواهند کرد که دولت بخاطر آن ها وجود دارد و لازم نیست مردم را دچار این توهم سازیم که با این رئیس جمهور (یلتسین) و با این دولت می توان چیزی را در جهت مثبت تغییر داد. از این رولازم است که به بازی های مربوط به آشتی و تفاهم خاتمه داد و به امر تغییر قانونی حکومت پرداخت.

ترجمه از:

«پراودا» ۵ آوریل ۱۹۹۴

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت ۷۴ - مین سالگرد تاسیس حزب کمونیست خلقهای اسپانیا

به کمیته مرکزی حزب کمونیست خلقهای اسپانیا

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرمترین دروذهای رفیقانه خود را به مناسبت هفتاد و چهارمین سالروز تاسیس جنبش کمونیستی در اسپانیا، به شما تقدیم می‌دارد.

جنبش کمونیستی در کشور شما، تاریخچه فخرمانانه ای از مبارزه علیه استبداد و فاشیسم و برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم با خود به همراه دارد. امروز کمونیست‌ها در سراسر جهان، علی‌رغم عقب‌گردهای گذرا به مبارزه خود در راه دفاع از حقوق زحمتکشان و در مقابله با بورژوازی نوین سرمایه‌داری ادامه می‌دهند. برگزاری این جشن به خودی خود گواه زنده‌ای از این مبارزه در حال رشد در سراسر جهان است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، به شما درود می‌فرستد و در این سالروز تاریخی برای شما موفقیت و پیروزی در مبارزه دشوار و بغرنجان آرزومند است. ما به روابط میان دو حزبان همچنان ارجح می‌گذاریم و امیدواریم که در آینده هرچه بیشتر گسترش یابد.

با دروذهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دنیا منتشر شد

شماره ۳ (دیماه سال ۱۳۷۲)

نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی

حزب توده ایران

پاسخ‌های الکساندر روتسکوی به پرسش‌های خبرنگار «پراودا»

تفاهم با یلتسین و رژیم او ممکن نیست

سوال - الکساندر ولادیمیروویچ، از حوادث غم‌انگیز مسکو در ماه اکتبر ۱۹۹۳ و از بمباران وحشیانه پارلمان روسیه شش ماه گذشته است، بیشتر شهروندان ما اکنون به این نکته پی برده‌اند که در آن روزها جنایتکاران چه کسانی و نیز مدافعین میهن چه کسانی بوده‌اند، شما در مقیاس تاریخ میهن ما آنچه را که روی داده است چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بنظر شما پیشرفت امر جامعه شهروندی و کلا دموکراسی در روسیه چقدر به عقب انداخته شده است؟

جواب - آنچه که در آن روزها روی داده است، قبل از هر چیز رسوایی مشترک ماست. رسوایی ملت است. وقتی ملت دیگر خود را ملت نمی‌داند او به جمعیت و یا به گروه بزرگ اشخاص منفرد و ازدحامی تبدیل می‌شود که می‌توان آن را هربار با یک فریب به طور دلخواه کنترل کرد. و برعکس، وقتی مردم با احترام به خود زندگی می‌کنند و درک می‌کنند که هر انسان شخصیتی است که نماینده ملتی بزرگ و شهروند دولتی بزرگ است، آن‌ها هرگز اجازه چنین برخوردی را نمی‌دهند. آنان خیلی ساده به احدی اجازه نمی‌دهند که با نقض حقوقشان، قانون اساسی کشور را زیر پا بگذارد. با کمال تأسف این حادثه در کشور اتفاق افتاده است. احترام شهروندان به حکومت خود، لگدمال و تیرباران شده است، مردم را درهم شکستند. به این خاطر، هرچند مایه تأسف است، باید اعتراف کرد که این چیزی به جز ترازوی یک ملت بزرگ نیست.

س - جامعه از آنچه که رهبران کودتای ضد دولتی با آن کردند، وحشت نمود. هرچند این واقعیتی است که جامعه، فقط پس از بمباران پارلمان وحشت کرد. شما چه فکر می‌کنید، آیا جامعه از این واقعه درس‌های جدی گرفته است؟ آیا آنچه که رخ داد به آگاهی قطعی و بینایی شهروندان کمک کرده است، آیا آن‌ها می‌توانند در مقابل بیدادگری‌ها و خودسری‌های رژیم (یلتسین) ایستادگی کنند؟

ج - نمی‌دانم، مطمئن نیستم. حتی اگر نوعی آگاهی هم صورت گرفته باشد بهای بسیار

رهبران ارگان‌های فدراتیو، و کلکتیو‌های کار در اکثریت خود از پارلمان قانونی پشتیبانی نموده و موضع اصولی اتخاذ کردند، اما به هیچ اقدام مشخص و قاطعی در ارتباط با اعتراض عمومی دست نزدند... چطور ارتش این گل سرسبد خلق توانست از این خودسری‌های رژیم پشتیبانی کند؟ چطور می‌توان در پیش چشم مردم خود و همه جهانیان، در میان کف زدن‌های جمعیت بی‌خیال، با تانک شهروندان خود را بمباران کرد؟ حتی تصور این هم وحشتناک است!

ادامه در ص ۷

NAMEH MARDOM
NO ; 426
April 26 , 1994
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

نامه

مردم